

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شتر

شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ • ۸ صفر ۱۴۴۷ • ۲ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۷۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۷ • اذان صبح فردا ۳:۳۸ • طلوع آفتاب ۵:۱۴

یادداشت

روایتی از زندگی و مرگ، رقص و اشک، عشق و ریشه بر صحنه پردیس تئاتر شهزاد

بلوچستان زنده است

میناکبری

نمایش «اشک (عشق)» به نویسندگی نصیراحمد ملازهی و به کارگردانی صادق سهرابی، اثری است متفاوت که از بطن فرهنگ و زیست‌بوم بلوچستان برآمده و بر صحنه پردیس تئاتر شهزاد جان گرفته است. این نمایش نه‌فقط یک اجرای هنری، بلکه صدای مردم فراموش‌شده‌ای است که با رقص، موسیقی و اسطوره، تاریخ خود را بازمی‌سازند. ملازهی که پیش‌تر با دانش‌آموزان مناطق محروم تئاتر کار کرده و جایزه اول جشنواره دانش‌آموزی هورشید را گرفته است، در این اثر با تمام توان بدنی، آوایی و درونی‌اش ظاهر می‌شود؛ حضوری که نه تصنعی است و نه در خدمت نمایش‌گریایی صرف، بلکه به شکلی زنده و درگیرکننده، مخاطب را با خود به دل سرزمین بلوچ می‌برد؛ سرزمینی که در آن، نخل‌ها با خون آبیاری شده‌اند و «هر نخل یک انسان است». مقایسه نخل با انسان و اشاره به «خون» در آبیاری آنها، بیانگر رنج، مقاومت و شهادت است؛ نه‌فقط در برابر طبیعت، بلکه در برابر سیاست، فقر و بی‌عدالتی. اصرار پدر به تکرار جمله‌ای از سوی پسر، انتقال حافظهٔ تاریخی و فرهنگی است؛ انگار که نسل‌های پیش، با همه زخم‌هایشان، دارند به نسل بعد پیام می‌دهند: فراموش نکن توکی هستی. اما موسیقی اصیل بلوچی، به‌ویژه صدای بنجو، روح نمایش را شکل می‌دهد و به‌جای کلام، احساس را به جان مخاطب منتقل می‌کند. اینجا هنر نه ابزار سرگرمی، بلکه زبان مقاومت است. اگرچه صحبت از حضور نمادین «نوادگان کوروش» در پایان روایت ممکن است بحث‌برانگیز باشد، اما در بافت کلی اثر، بیشتر به چشم یک پیوند فرهنگی-تاریخی برای تقویت حس افتخار ملی می‌آید.
بااین‌حال، مهم‌ترین دستاورد نمایش این است که روایتی از مردم بلوچ، با زبان خودشان، با بدن و صدای خودشان و نه از پشت میزهای مرکز روایت می‌شود. دیدن «اشک (عشق)» تماشای یک نمایش نیست، تماشای صدادی است که کمتر شنیده شده. این کار حاصل تلاش جوانانی است که نه سرمایه‌دارند و نه تریبون، اما جسارت دارند، فرهنگ دارند و روی صحنه فریاد می‌زنند که بلوچستان زنده است. دیدن این نمایش، نه‌فقط حمایت از یک اثر هنری، بلکه ادای احترام به مردمی است که هنوز ایستاده‌اند، حتی با دست خالی.

مستندخوانی

نمایش ۲ مستند هم‌زمان با نمایشگاه

هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه «به گزارش زنان» که تا ۳۰ شهریور برپاست، «سینماک موزه هنرهای معاصر تهران» مجموعه‌ای از فیلم‌های مستند را با محوریت زنان، جامعه و هنر در قالب برنامه هفتگی به نمایش می‌گذارد. این رویدادها هر یکشنبه ساعت ۱۶ در سالن سینمایی موزه برپا و نمایش فیلم‌ها رایگان است. نخستین فیلم این برنامه، یکشنبه ۱۲ مرداد با نمایش دو فیلم مستند «چه شگفت‌انگیز است که هم زخم و هم مرهم» به کارگردانی کیوان علی‌محمدی و امید نیکدار به مدت ۲۰ دقیقه و نیز فیلم «مکرمه: خاطرات و رؤیاها» به کارگردانی ابراهیم مختاری به مدت ۴۸ دقیقه در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. فیلم تجربی و شاعرانه «چه شگفت‌انگیز است که هم زخم و هم مرهم»، روایتی چندلایه از زندگی هنرمند نامدار، زندنیاد «ایران درودی» است که مفاهیمی همچون درد، رهایی و خودشناسی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. همچنین مستند «مکرمه؛ خاطرات و رؤیاها»، به زندگی و نقاشی‌های زن روستایی و خودآموخته از شمال ایران می‌پردازد که در اواخر عمر بدون هرگونه آموزش هنر شروع به نقاشی می‌کند. «سینماک موزه هنرهای معاصر تهران» پس از مدت‌ها برنامه‌های خود را از سر گرفت.

پس از وقوع زمین‌لرزه‌های متعدد در حد فاصل گرگان و شاهرود در روزهای بعد از ۲۴ تیرماه ۱۴۰۴ و طرح موضوع پتانسیل منطقه برای وقوع یک زمین‌لرزه با بزرگای ۷، سؤالاتی مطرح شد که آیا زلزله‌ها قابل پیش‌بینی هستند؟ در این یادداشت به این مسئله می‌پردازیم.
در ابتدا باید گفت که زلزله‌ها در حال حاضر در کوتاه‌مدت، چند ساعت تا چند روز از نظر ارانه زمان، مکان و بزرگای دقیق هنوز قابل پیش‌بینی قطعی نیستند، ولی این بدان معنا نیست که اساساً زلزله‌ها را نتوان پیش‌بینی کرد؛ چراکه زلزله‌ها به عنوان پدیده‌ای طبیعی مانند هر پدیده طبیعی دیگر با روش علمی قابل پیش‌بینی هستند. ضمناً زلزله‌ها پدیده‌ای تعینی هستند بنابراین با شناخت چشمه آنها، گسل‌ها، می‌توان به ماهیت و ابعاد اتفاقات بعدی و رفتار گسل‌ها پی برد. ولی از آنجا که پدیده‌ای تصادفی هستند، امکان پیش‌بینی دقیق آنها در بازه‌های کوتاه هنوز ممکن نشده است. عدم قطعیت زمانی رخداد زلزله‌ها به نحوی است که وقوع‌شان از یک برنامه قطعی پیروی نمی‌کند؛ زمان‌بندی آنها نامنظم است ولی می‌توان آنها را با استفاده از توزیع‌های احتمال مانند فرابند پواسون برای پیش‌بینی بلندمدت مدل‌سازی کرد.

مکان زلزله‌های آینده نامشخص است و تحت تأثیر هندسه گسل و تجمع تنش در پوسته قرار دارد. قانون بازگشت-کوئینبرگ-ریشر نشان می‌دهد فراوانی زلزله‌های بزرگ‌تر کمتر است. زلزله‌ها را به عنوان رویدادهای شبه‌دوره‌ای با مقداری تصادفی در فواصل بازگشت در نظر می‌گیرند. بر اساس مدل خودشباهتی فرابندهای زلزله رفتاری شبیه به فراکتال در زمان و مکان از خود نشان می‌دهند. در فرابند فراکتال خودهمانندی و تغییرناپذیری اندازه پدیده طوری است که خواص آماری در مقیاس‌های مکانی یا زمانی مختلف تکرار می‌شود. انتقال

تنش نیز وابستگی‌هایی را بین زلزله‌ها به پیش‌بینی مکانی رخدادهای بعدی کمک می‌کند.
زلزله‌ها غیرایستا هستند و فراوانی زلزله‌ها به دلیل بارگذاری زمین‌ساختی و تغییرات تنش تغییر می‌کند. از سوی دیگر عدم قطعیت ریشه‌ای نیز وجود دارد. داده‌ها محدودند و زلزله‌های بزرگ نادر هستند و استخراج آماری را دشوار می‌کنند. زلزله‌های زمین‌ساختی که بیشتر زمین‌لرزه‌های مخرب هستند در راستای گسل‌ها رخ می‌دهند. انباشت تغییر شکل طولانی‌مدت می‌تواند پتانسیل زلزله آینده را نشان دهد. اگر یک قطعه گسل برای مدت طولانی گسیخته نشده باشد، ممکن است «قفل شده» و تنش را جمع کرده باشد و احتمال زلزله آینده را افزایش دهد.

برخی از زلزله‌های بزرگ با پیش‌لرزه‌های کوچک‌تری همراه هستند، اما این پدیده همیشگی نیست. فواصل بازگشت که میانگین زمان بین زلزله‌های بزرگ روی یک گسل است، به تخمین احتمال کمک می‌کند. مثلاً قطعه مرکزی گسل مشا در هر هزار و ۱۰۰ سال یک بار گسیخته می‌شود. به این منظور با استفاده از دیرینه لرزه‌شناسی زلزله‌های گذشته را از طریق حفر ترائشه روی گسل‌ها مطالعه می‌کنند تا تکرار

گزارش خوانی

بحران آب، گریبان بهداشت عمومی را گرفت

چراکه آن‌قدر تعداد این سرویس‌ها در سطح شهر اندک است و افراد بسیاری به همین خاطر درگیر هستند که با تعطیلی این سرویس‌ها چه مشکلی حل می‌شود. البته قبول داریم که اندک جمع کردد ولی دیگر این تصمیم اندکی عجیب به نظر می‌رسد. طبق این گزارش، اداره آب تهران به تعطیلی سرویس‌های بهداشتی عمومی روی آورده تا شهروندان پایتخت‌نشین از این خدمت اولیه و مهم محروم شوند. کمبود سرویس‌های بهداشتی عمومی پایتخت یکی از موانع مهم در دستیابی به توسعه شهری پایدار است.

از سوی دیگر، نبود دسترسی به سرویس‌های بهداشتی باعث می‌شود برخی افراد، به‌ویژه افراد بی‌خانمان، کارگران، کودکان، سالمندان و افراد با بیماری‌های خاص، به رفتارهای غیربهداشتی و غیرمتعارف در فضای باز یا استفاده از مکان‌های نامناسب روی آورند. از طرفی سالمندان و کودکان که در سطح شهر رفت‌وآمد می‌کنند را با معضل روبه‌رو می‌کند. افراد مبتلا به بیماری‌های خاص مانند دیابت، سندرم روده تحریک‌پذیر، مشکلات کلیوی و پروستات نیاز به استفاده فوری از سرویس بهداشتی دارند. نبود امکانات، آنها را دچار اضطراب و بحران می‌کند. در حقیقت ناتوانی در پاسخ به نیازهای طبیعی، به نوعی نقض کرامت انسانی تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد شرایط سختی در پیش است و شهرداری باید بیش از پیش در این راه قدم بردارد. بسیاری از پارک‌های تهران و همچنین ایستگاه‌های مترو مثل ایستگاه‌های «تجریش»، «امام خمینی» و «شهری» دارای سرویس بهداشتی هستند. البته شاید در نهایت مردم در این شرایط به سراغ مراکز خرید بروند.

تجربه حمام عمومی

در روزهایی که گذشت، بخش‌هایی از تهران آب نداشتند. بسیاری نوشته بودند نتوانسته‌اند دوش بگیرند و احساس می‌کردند این اتفاق

۲۰ سانتی‌متر

در پی بارش سنگین و بی‌سابقه طی یک شبانه‌روز، شهر نیویورک با یکی از شدیدترین بحران‌های آب‌وهوایی سال‌های اخیر مواجه شد، تا جایی که مقام‌های آمریکایی مجبور به اعلام وضعیت اضطراری شدند. باران‌هایی با شدت سه اینچ در ساعت که در برخی مناطق مجموعاً تا هشت اینچ در یک روز رسید، خیابان‌ها، خانه‌ها و حتی خطوط مترو را غرق آب کرد. مقامات رسمی آمریکا ناچار به اعلام وضعیت اضطراری در سه منطقه اصلی شهر شدند: منهتن، کوئینز و برانکس. خیابان‌ها در عرض چند ساعت به رودخانه‌هایی خروشان تبدیل شدند و سامانه فاضلاب شهری از پس تخلیه این حجم عظیم آب برنیامد.



دهستان مینوخی، مهم‌ترین دهستان از میان سه دهستان ارون‌کنار، با روستاهای پرجمعیتی همچون «بوغرلان»، «نهرکوت»، «ابوشکر» و «کوت شنوف» از قطب‌های تولید خرماي منطقه به‌شمار می‌رود. در حادثه‌ای کم‌سابقه، آتش‌سوزی گسترده‌ای در این منطقه رخ داد که منجر به نابودی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار اصله نخل خرما شد. عکس: علی معرف، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

آیا زمین لرزه‌ها پیش‌بینی می‌شوند؟



مهدی زارع

زلزله‌ها را تخمین بزنند. زلزله‌ها از زرفای زیاد زمین -چند کیلومتری سطح زمین- شروع می‌شوند و مشاهده مستقیم آنها همچنان ممکن نیست. سامانه‌های گسلی پیچیده هستند. برخلاف آب‌وهوا، زلزله‌ها فاقد پیش‌شانگرهای کوتاه‌مدت هستند.
در سال‌های اخیر با GNSS سامانه‌های ماهواره‌ای ناوبری جهانی تغییر شکل پوسته با ردیابی تجمع تغییر شکل روی گسل‌ها می‌پردازند. با رادار ماهواره‌ای حرکات زمین در مقیاس میلی‌متری را پایش می‌کنند تا به شناسایی بخش‌های قفل‌شده گسل که احتمال گسیختگی دارند، بپردازند. با بررسی پیش‌بینی‌پذیری (پس‌بینی) دریافت‌اند که حدود ۵۰ درصد از زلزله‌های بزرگ قابل پیش‌بینی هستند. یادگیری ماشین و هوش مصنوعی با تجزیه و تحلیل مجموعه داده‌های لرزه‌ای گسترده برای یافتن الگوهای پنهان امروزه بیش از پیش به کار گرفته می‌شود. هوش مصنوعی کوکل تغییرات جزئی موج لرزه‌ای را قبل از زلزله‌های شبیه‌سازی‌شده آزمایشگاهی تشخیص داده است. البته این روش هنوز آزمایشی است و نیاز به اعتبارسنجی بیشتر در دنیای واقعی دارد.

از سوی دیگر از ناهنجاری‌های الکترومغناطیسی و تغییرات گاز رادون هم‌زمان با پایش آب‌های زیرزمینی برای پیش‌بینی زلزله استفاده شده است. قبل از زلزله لاکونیلای ایتالیا در سال ۲۰۰۹ ناهنجاری‌های یونوسفر و تغییراتی در گاز رادون در منطقه گزارش شده بود. ولی چالش آن است که این نشانه‌ها و پارامترها به طور مداوم قابل تکرار نیستند و نرخ پیش‌بینی‌های کاذب همچنان بالاست.

بر اساس روش‌های احتمالی اکنون به پیش‌بینی کوتاه‌مدت با احتمالات گوناگون می‌پردازند. از طرف دیگر فناوری اطلاعات کمک‌های زیادی به پیش‌بینی زلزله می‌کند.

طنزخوانی

خنده بر لب می‌زنم

تا کس ندادند درد من



آردین سیارسریع

- امروز در خدمت یک بستنی عروски می‌هستم که با اینکه همیشه تحت فشاره ولی هیچ‌وقت لبخند رو فراموش نمی‌کنه. سلام بستنی عروски.

بستنی عروски: آااای!

- چی شد؟

بستنی عروски: درد می‌کنه آقا. خیلی درد می‌کنه.

- آخ... آخ... این چوبه اذیت می‌کنه نه؟

بستنی عروски: لامصب، خیلی.

- ولی خوشحالم که با وجود این هنوز خنده رو لب‌ها‌ته.

بستنی عروски: نظر لطف شماست. این خنده رو هم هرکی داره، از قبل داره.

- خب بفرما که چی شد که این جوری شد؟

بستنی عروски: والا ما اول فکر می‌کردیم قراره از این بستنی ایتالیایی باکلاسا بشیم. اسمش

چی بود؟

- جلا‌تو؟

بستنی عروски: بله جلا‌تو، به همین مناسبت به هر حال خنده‌ای روی لب ما شکوفه زد. گفتیم

اگه ما جلا‌تو بشیم، دیگه کمتر از وکیل و وزیر ما رو لیس نمی‌زنن. ولی روزگار چرخید و چرخید تا این

چوب به این صورت که می‌بینید در ما جانی‌می‌شد.

- یعنی شما از اول این‌جوری نبودین؟

بستنی عروски: ابدًا. من پدربزرگم سنتی بودم...

- تو بازار بودن؟

بستنی عروски: نه. با پسته و زعفران بودن.

بستنی سنتی.

- آهان!

بستنی عروски: بله. به هر حال پولدار بودن. پدر من هم اون زمان بسیار در سر خون بودم...

- شما اصالتاً کجایی هستین؟

بستنی عروски: ما از طرف پدر واتیلی ولی مادر، قهوه.

- یعنی ابوی چوبی نبودن؟

بستنی عروски: خیر. اسکوپی بودن، تو طرف شیک و مجلسی.

- می‌فرمودید.

بستنی عروски: عرض می‌کردم پدر ما اون زمان برای تحصیل میره خارج. تو دوره‌های

مختلف بستنی‌سازی شرکت می‌کنه. با چه بدبختی‌ای، تو اون گرمای ایتالیا که لامصبا به کولر

روشن نمی‌کردن، پدر بالاخره موفق میشن که کسب‌وکار خودشونو راه ندانن.

- خب چی شد که برگشتن ایران؟

بستنی عروски: خب پدر که همیشه حب وطن داشت. از طرفی مسئولین هم گفتن ایرانیان

خارج کشور برگردن، ما وام می‌دیدم و چه میدیم و فلان می‌کنیم، پدر هم گفتن که الان بهترین موقع

است. برگردیم خدمت کنیم. خلاصه خودشونو میان‌ن توکنن، سوار هواپیما میشن و برمی‌گردن.

- کارخونه زدن اینجا؟

بستنی عروски: بله. خیلی هم سریع پیشرفت کردن.

- بعدش چی شد؟

بستنی عروски: بعد از به مدت رقبا و مافیای بستنی براش زدن. پرونده درست کردن. شریکش

هم سرش کلاه گذاشت که الان این کلاه شکلاتی که روی سر من می‌بینید، همون کلاه.

- الان پدر در قید فریزر هستن؟

بستنی عروски: خیر. همون موقع آب شد. - روشن شاد. این بستنی عروски‌هایی که

کچ‌وکوله‌ان و شبیه عکس روی جلد نیستن، اقوام شما؟

بستنی عروски: اینا خواهر برادرای منن.

- واقعا؟

بستنی عروски: بله. پدر اون موقع که داشتن آب می‌شدن، به مادر گفتن من دو ساعت دیگه

بیشتر زنده نیستم، یا سریع نسلمونو ادامه بدیم که متأسفانه همین باعث شد اینها به شکل ساعات

آخرابوی در بیان.

- چه داستان بر آب چسبی. من واقعا دلم برای شما می‌سوزه!

- چرا؟

بستنی عروски: به هر حال ما بستنی هستیم و چند ماهی بیشتر زنده نیستیم. من حس می‌کنم

شمالی‌که با این وضعیت بی‌آبی و بی‌برقی و ماکینسم ماشه و بی‌پولی و مجموعاً تحت فشار

قاری طنز می‌نویسی و می‌خندی و حال‌احالا‌ها هم دارن نیست بمیری، وضعت از من خیلی خراب‌تره.

بستنی عروски: آااااا!

بستنی عروски: چی شد؟

- حس می‌کنم منم مثل تو شدم. معلوم نیست نشستم یا واستادم.

بستنی عروски: عادت می‌کنی!

کمی بعد برق دچار خاموشی‌های منظم شد و بستنی عروски همان‌طور لبخند به لب آب

شد. به این فکر کردم که روزی که خدوم آب شوم، لبخندم دارم یا نه؟